

به اخلاق سعدی بازگردیم

مصطفی ملکیان (نویسنده و پژوهشگر فلسفه)

هر شاعری و از جمله سعدی از دو جنبه قابل بررسی و ارزیابی است: فرد و صورت، محتوا؛ فرم و صورت بیان می‌دارد که شاعر چگونه گفته است و محتوا نیز بیان می‌کند که شاعر چه گفته است. ما از فرم لذت می‌بریم و از محتوا می‌آموزیم. چگونه می‌توان فهمید که سعدی با توجه به ابواب چهارگانه اخلاق نقلی یا تمدنی (که به رابطه بین انسان و خدا می‌پردازد)، اخلاق فردانی (که جوهرش به ارتباط انسان با خود است)، اخلاق اجتماعی (که تمرکزش بر فواینس حاکم بر سیاست است)، اخلاق صلح‌اندیشه‌دستانه (که برای رسیدن به سلسله‌مطلوب‌های اجتماعی است)؛ اخلاقیات را که سعدی در بوستان، گلستان و نصیحةالملوک ارائه می‌کند، می‌توان از نوع اخلاق مصلحت‌اندیشه‌ی عنوان کرد.

با سبوی «اخلاق یا بر زمین» که سعدی می‌داند که شعر او با فهم عرفی ما سازگار است و از تقابلی برای جامعه امروز ما نیز بسیار ضرورت دارد و هم از ابواب قدرت به این اخلاق نیاز دارند و هم شهروندان از همین ورم مقدمه می‌باید به جای «شماره» به «اخلاق سعدی» التزام کنید، چراکه دست‌مازاد ای، امنیت، عدالت و نظم را برقرارتر خواهد ساخت.

معدوما شیععی کنکئی

(نویسنده و استاد ادبیات دانشگاه)

ظاهراً معنی نفاوئسی نمی‌کرد ولی همه کس می‌دانند که شعر از آسمان ز زمین می‌آمد. تمام زیبایی‌ها و هنر هنر همه چیه جهان و هر که از آسمان است که از نوعی حریف وجود دارد. یعنی به‌پهوری از یک ساختار نقوی خاصی که دیگران - تا آنجا که یاد دارد - از آن غافل بودند. سعدی و فردوسی از لحظه فروضشان در تاریخ ادبیات ما، همواره بر فراز مانی و چون و چرای ظلم و شرع بودند. این شاعران کلام می‌سوفت، یا همه‌باستاره و مجازهای نوآیندشان، چنان‌که ابواب شعر و متخصنان این‌گونه



عبدالحلی دست‌غیب (نویسنده و منتقد ادبی)

در سال‌های اخیر به سعدی کس توجه می‌شود. در آمریکا چون شعرهای مولوی را ترجمه کرده‌اند ما هم به شعرهای مولوی توجه می‌کنیم. یک‌ساعت در آن سلسله‌مطلوب‌های نگرفته است. خود خود در زمان جوانی با سعدی مخالف بودم و یک سخنرانی در شیراز علیه او انجام دادم، اما اکنون از روان سعدی مغفرت می‌طلبم. سخنرانی من در روز جمعه آن روز تهران منتشر شد و



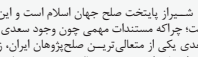
عباس کیارستمی (نویسنده و فیلمساز)

من در انتخاب شعرهای سعدی و حافظ، می‌خواستم متوجه‌ای انتخاب کنم که مرصع‌ها وابسته به معیارم نباشند و با این سبب زیبایی ندانسته بیدار گفتم این شعرها در محاورات مجتمعات اسلامی است و من فقط شعر وی کردم و شکل نوشتاری آن را نیز تغییر دادم. یکی از گرفتاری‌های ما در شعر فارسی این است که در آن‌ها یک خولایی، و این گرفتاری



فرخ نازک (پژوهشگر، مترجم ادبی و استاد دانشگاه)

عرسه ادبیات، عرصه خردمندی و مخاطب و مهندسی با ویژگی‌های هنرمند «و معاصر بودن ادبیات، هم در رشته در سراسر آستانه‌های انسان معاصر و اندیشه‌های تازه وی در فلسفه و فیزیولوژی، زبان فارسی و هنری دارد. معاصر بودن انگیزه‌ای است برای نوعی «گفت‌وگو»، راجوعی، مفاهمه در فضای اندیشه‌ها شکل‌های بیانی مدرن و ساماندر، و در پاسیون نگاه، چشمانداز یک نگاه تازه بر بنیاد گذشته‌های دور و نزدیک است، اما به‌یاد خاطر بسپاریم که گذشته‌های ما در عرصه درختان آبد معاصر و نیز در ادبیات کلاسیک ما دارد، ادبیاتی که فرهنگ‌ت هستش از این سخنوران به‌پهورند است و در هیچ‌یک از نویسندگان زندگی او یا یاری می‌دهد. هر چه در برجسته می‌نویسی، بر چند واحد بدیع و



محمدجعفر جلمانی (نویسنده و استاد دانشگاه ریسنتون، کلیسا و گیل)

شیراز و استانبول طبع جهان اسلام است و این سخن مستند است، چراکه سنت‌های مهمی چون وجود سعدی در شیراز فارسی سعدی یکی از ممتازترین علمای پژوهران ایران، زبان فارسی و جویان اسلام است، معنی ستمدنی بر بخش صلح‌جوید که همانا سعدی بود. سعدی، مترجمی و نوآیند در شعر او می‌توان از زوایای مختلف دیدنی می‌توان از او قرن هفتم، مسیاب‌های حمله مولود فیصلی که به دلیل این حتمت، مردم درگرو گرانگ در واقع نقل‌قول‌های عراقی در مولوی بود. این عرصه هم محصوئل این نوآیند. من ام‌ام‌عراق تا سعدی را از نظر مفاهی معاصر نگاه می‌کند. سعدی را او قاب وجودی خود و این‌گونه هفتام بروز می‌آورد و در ادبیات معاصر به او نگاه می‌کند و در ادبیات معاصر چیه عیبست و سعدی در این باب چه معنایی می‌دهد.

سعدی بزرگ‌ترین انسان دوست جهان است

شاعرهای منجر به گیری دوامه در روزنامه‌های اطلاعات و کیهان درباره شعر، روزنامه‌ها در آن مدتی یکی از مستوفین اجنم روسیه در ایران با من ملاقات کرد و از من پرسید آیا شما درباره سعدی این حرف‌ها را زده‌ای؟ ما سعدی را بزرگ‌ترین انسان دوست دنیا می‌دانیم، با حرفت را پس بگیر ما چیزهایی را که سعدی سبقت نگرفته است

شعر و زبان فارسی مؤلفه کوچکی نیست، تلباور تمدن چندین هزارساله ما است و در آن تنها اخلاق بلکه چیزهایی شعر چون بیان اخلاق

عاشقانه‌های سعدی در دبالو کنویسی

به این خاطر است که در معانی کلمات و مفهوم شعر درمی‌یابیم. من فکر کردم اگر شکل نوشتاری را عوض کنی و بجای معنی نوشتی، آن را از بالا به پایین بنویسم یا ویرگول را معنی حذف کنی، جذبات می‌شود و مفهوم کم‌معن، بهتر خواهد شد. ندهای معنی و مثبتی را که در این‌باره شده بودند خواندم. به نظر در این مبیان، تأثیر برخورد یونس‌جالب بود. این کتاب با سه بچه‌های خردم داده که بخواند می‌گفت معنی ما حافظ را بخواند که به چیزی‌ها به دنیا جدید است، اما آن‌ها می‌فهمند سریع بچره لبخندت زود ببینی دنیا چگونه است. آن می‌بینم که بچه‌ها مصرع‌های از سعدی و حافظ

مضامین مشترک در شعر سعدی و سهراب سپهری

بدعتهای پرشمار، جز بر سبزه یک سنت بزرگ و رشه‌دار، نمائی توام گوید و دوام باید. این سلسله به‌بعضی در قالب فارسی و در عرصه شعر، ازمی مسلم و قابل اتمام است.

استادوار کلاسیک دانشی

باید بپذیرف که در آن نویسن هر نوزوری و بدعی در شعر و ادب، مستزحم خروج از سنت و فراتر رفتن از آن است. این آستانه از رفعت یا نفی و نابودی سنت تفاوت دارد. در آستانه شرطیبت تلاش‌های بسیاری برای نوزوری در شعر و ادب فارسی صورت گرفت و این تلاش‌ها با ظهور نیما در هدایت و جمال زاده در نثر بستری و زمینه تحول عینی را فراهم ساختند که محصوئل آن شعر نیما و جهان استثنائی مدرن فارسی بود. این محصوئل دستاوردها روزگاری در فضای انگلیزبانیز ایران کلاسیک این سزمین ذاتت اگرچه مسئله جهان جدید و پس از مشروطه به‌کلی با جهان سنتی و کهن متفاوت بود،

ویژه



موسیقی غزل سعدی

بناشد تصادفاً به چنین حدیثی در زبان دست یافته، رفتی می‌گوید: «جاده حالی»ت، سقره است! امروز / هرچه می‌بومرد از پیچ در دراز» / ای وقتی سعدی می‌گوید: «اول نمم که در همه سال» یا دوست! از تو در نظرم چه مغفرتی... ساختار نحوی زبان به گونه‌ای است که خلاف انتظار خواننده است اما قابل صرح دوست، انتظار خواننده این است که شاعر مایل خودش را در عالم از همه کس ممتاز کرده است، ولی بعد از آنکه «زبانت از تو... تمام شعری عوض می‌شود و این اخلاق انتظار و نوعی چشم‌پندری بلاغی، خواننده را مسحور کند» / همین مقوله سعدی وقتی می‌گوید: «همن امروز

و تو و مطرب و سالی و حوسد / خویشتم گو به در حجره درازویز جوحش... که عطف حوسد بر من و تو مطرب و سالی خلاق انتظار خواننده است، و مایه شگفتی نوعی شود وقتی در مصرع دوم تکلیف حوسد را به گونه‌ای دیگر تعمیم می‌دهد. با گسترش نحوی بخش‌های دراز دامنی در باب منتظر قطع دارند و معروف‌ترین و شاید هم تنها شاهد آن در طول قرون و اعصار «جاتنی اقوم الا حماره» است ولی هیچ کس به نقش بلاغی و تأثیر هنری این ساختار توجه نکرده، اما سعدی بسیاری از هنرهای زبان در استفاده از همین مستثنائی منتظرها نشان داده است: «هرگز حوسد نترم در

بر من بنخسید که در حوزه ادبیات نثری و این کار کردهام و ولی به‌گمان، کاربرد خود را از بالا استنفاده از آثار سعدی و حافظ در سینما و رسانه‌ها در نیمه‌های گذشته از شعر بسیار سخت‌نما تقطیع در شعرها اتفاق می‌افتاد. این بزرگ‌ترین دست‌آورد من در این زمینه است. تصور نمی‌کنم که کار تازه‌ای باشد. این کار جدید است که سعدی‌شناسان نسبتند یا حافظ می‌خوانند و آن کسان که سیوا دارند، نمک است که این‌گونه حافظ و سعدی را بخوانند. گفتم که این از زبان می‌توانم انجام هم، شعرهایی را یادداشت کرده و جدا نوشتی، می‌دانم که مخالف زبانی هم دارد، اما

نموده‌ای اجتماعی در شعر سعدی

مراد از این شعر، نمودهای عرفانی در شعر سعدی و سهراب سپهری، تلقیفی درختان نوز و در آن شعر، هر چه با به ستمدنی و عرفان اسلامی و نشر آشنائی است که با واقع صدقاً حقیقت در عرفان الهی برای آنها وجود خاستند با «هتسق» و «هوق» و «اشراق» همراه است و شعر سعدی و سپهری، عرفان لملم و آراش است و در تمامی اجزاء و عناصر شعر آنها این امر نمود دارد و شعر این دو شاعر با وحدت وجود، معنا و هستی می‌یابد و از این منظر، با تفیق در صنع باری، به طلب دوست می‌بازند. طبع برای سعدی و سپهری شامعانی مقدس است و آنها در همه اشیاء به‌ظاهر به چیزی جان نیز «جو خویشتن» و «شوین و نیان» و «وزن و بوی» می‌بینند از سبوی سعدی و سپهری و شعر سعدی و سپهری، در این دوام یافتنی و در نوعی وسیع سخن گران است چنین شمولوت و الکن و بی‌وقف شد، نیازمند تعاری خواهد بود که گرد و غبار از چهره آن بزاید، عناصر سالم و طبیعی

تمدن‌های غرب در جست‌وجوی سعدی هستند

«جای خالی دو تمدن غرب» / این خصوص بی‌گفت که کل تاریخ تمدن و فلسفه غرب به پنج دوره تقسیم شده، دوره اول دوره هلنی است از ۵۷۷ قبل از میلاد تا ۲۰۳ سال درگذشت اسکندر که در این دوران آنکه فلاسفه بزرگ جهانی ظهور می‌کنند. در این دوران پارادایم خویشیت برای مردمان دوستی است و بنابراین عیب نیست که در اخلاق نیکوخواهی، سوختن در کمال صلح و همنهانی باقی که کصل به عدالت، دور دوم دوست‌پسندی یا شسته یافته است که در اخلاق پیوسته است که دور سوم از منسلک شدن و تأثیر خودخوانی اسکندر هست و شوکی به هم‌زمان وارد می‌شود و این موجب درگیری جامعه می‌شود درست مثل صلح معلول ظهور خورشید در ایران در این دوران دوستی به عنوان یک پارادایم خود خویشیت مطرح است. دوره سوم دور قرن میانه است از قرن بیستم تا روزگار پارادایم غرب، در این دوران دوام دوستی می‌ماند. «جای سعدی در سه دوره مهم از تمدن غربی است» / حال اگر بخواهیم سعدی را از این‌ها جدا کنیم، باید به جای عشق انسانی است بنابراین در این دوران



سعدی بس بود

محمد علی فروغی (مصمم کلیات سعدی)

سرفرازانه می‌گویم که قوم ایرانی در هر رشته از علم و حکمت و ادب و هنرهای دیگر فرزندان نامی بسیاری پروانده است و لیکن اگر هم چیز شیخ سعدی کسی دیگر نبورانده بود، تنها این یکی برای جاوید کردن نام ایرانیان بس بود. مذحای از شیخ سعدی از زبان و بیانی مانند زبان و بیان خود او باید، اما هیات که چشم روزگار دیگر مانند او ببیند، هفتصد سال از زمان او می‌گذرد و نه تنها مانند او ظهور ننموده، بلکه نزدیک به او هم کمتر کسی دیده شده است.



عکس: امید منوچهری

متصنی و مالی / الا بر آنکه دارد با دلبری و صالحی، و زیباتر از آن سخن مولوی: «ختک آن قمار بازی که بیاضت هرچه بودش از چرخ نبنماید، حیوش الا خود قمار دیگر»، «واژه‌های سعدی حوش عالمی دارد که می‌تواند موضوع یک رساله باشد». همین چندتا که در حافظه دارم توجه کنید: «همه گویند و سخن گفتن سعدی دگر است»، اما نتوانیم به عشق بپنجه درانداختن»، «بیا و هر بهز بد کرده‌ای که نبوی»، «سختیگره سر نازم بریز خورم و رستی»، که عطف انواع جمله را نشان می‌دهد و اینها هر کدام دارای هنرهای زبان در استفاده از همین مستثنائی گفتم سعدی از همین «واوها» و «الاهای» به‌ظاهر

سعدی از حکمت نظری و حکمت علمی بر خوردار است

دکارت و مقلبانه آن با خدانشناسی ملاصدرا را می‌توان با اشعار سعدی آمیخت و این نکتات در بوستان به خوبی مطرح شده است. اسوزی دیگر ابعاد وجودی سعدی را در گلستان و بوستان می‌توان یافت. یکی از اخلاقیاتی که سعدی بسیار درباره آن سخن گفته، حکمت فاعلت است. فاعلت است که در زندگی خود تلذذ تبریم اما حرص تلذذ زندگی را از میان می‌برد. گوجه اسمروزه زندگی لوکس و محلا به حزن ارزش ندارد و بزرگ‌ترین لذتی که می‌تواند به کسی رسد و این را سعدی در بوستان بسیار تأکید می‌کند که نشان می‌دهد و این سخن را انسان را بسیار عیب می‌شمارد. است. آمیوزام با استفاده از سوات معنوی و عرفانی سعدی بنهوان اندیشه‌های اخلاقی او را نهادینه کرد.



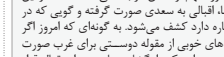
فردوسی (نویسنده و مترجم ادبی)

سعدی بزرگ‌ترین انسان دوست جهان است

شاعران بزرگ چنین‌اند: ستارتناس و فرستیان، با ظهور سعدی زبان فارسی دوباره حیاتی یافت و دوباره فارسی‌زبانان آن زبان نه به عنوان ابزار مستعمل، نه به عنوان کلمه‌های تازه و وسیله گفت‌وگو، بلکه به عنوان شیء هنری روبرو شدند. دوباره زبان ساحر شد. هر سبب و متنوع سعدی، ازجمله زبانی عاری از صنعت‌گشایی زبان اندیشیان آن دوران بود. سعدی از مرمر زیان برکه و نخالص خود روح زبانی آفرید جالب شعر و نثر.

شعر سعدی از ادب فارسی، در زمانی دیگر و در شرایطی دیگر، تکرار صنعت معجزه فردوسی بود که با ظهور فارسی به وقوع پیوست. اگرچه در قرن هفتم، سنت ادب عرفانی سنایی و عطار به دست شاعر بزرگ معاصر سعدی - جلال‌الدین مولوی - به اوج خود می‌رسید، سنت شاعران زبان‌افرنی چون دوکی، فردوسی، فرخی و انوری از اوایل قرن ششم به تکرار و تعدیل منبع دچار شده بود. آثار اغلب شاعران قرن ششم و هفتم ایرانی عیب‌راند.

و وقتی زبان عرب و ادب علمی بر آن تکرار و تقلید و تصنع چنین شمولوت و الکن و بی‌وقف شد، نیازمند تعاری خواهد بود که گرد و غبار از چهره آن بزاید، عناصر سالم و طبیعی



محمدجعفر جلمانی (نویسنده و استاد دانشگاه ریسنتون، کلیسا و گیل)

شیراز و استانبول طبع جهان اسلام است و این سخن مستند است، چراکه سنت‌های مهمی چون وجود سعدی در شیراز فارسی سعدی یکی از ممتازترین علمای پژوهران ایران، زبان فارسی و جویان اسلام است، معنی ستمدنی بر بخش صلح‌جوید که همانا سعدی بود. سعدی، مترجمی و نوآیند در شعر او می‌توان از زوایای مختلف دیدنی می‌توان از او قرن هفتم، مسیاب‌های حمله مولود فیصلی که به دلیل این حتمت، مردم درگرو گرانگ در واقع نقل‌قول‌های عراقی در مولوی بود. این عرصه هم محصوئل این نوآیند. من ام‌ام‌عراق تا سعدی را از نظر مفاهی معاصر نگاه می‌کند. سعدی را او قاب وجودی خود و این‌گونه هفتام بروز می‌آورد و در ادبیات معاصر به او نگاه می‌کند و در ادبیات معاصر چیه عیبست و سعدی در این باب چه معنایی می‌دهد.